

# منظر شهری مدنیت جامعه

## بیان نیاز

برگیرنده گروه‌های اجتماعی، سیاسی، صنفی و فرهنگی و عرصه دولتی، از آن دولت و ساختارهای آن خواهد بود. (پیران، ۱۳۷۸) طرح شماتیک ساختار یک جامعه در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. «فضای مدنی منوط به حضور عامل واسط بین عرصه خصوصی و دولتی است.

۱. طرح شماتیک ساختار جامعه



این عرصه محل ابراز خواسته‌های مردمی است که در قالب احزاب گروه‌های سیاسی و اقتصادی، انجمن‌ها و ... ظاهر می‌شود» (جلایی پور، ۱۳۸۶). فضاهای عمومی در تحول تاریخی خود تبلور مکانی و فضایی عرصه عمومی و مدنی یک جامعه شده‌اند. بعد سیاسی فضای عمومی را نمی‌توان نادیده گرفت. نمیتوان ارتباط انسانها به هم و نقش آنها را در گستره‌های جمعی نادیده گرفت و صرفاً به آرایه‌بندی فضا پرداخت. در مجموع تعریفی از فضای عمومی از این قرار است: «استمرار فضا- زمان برای گفت‌وگو سیاسی مرتبط به هم و با تعامل که دسترسی همگانی به آن آزاد است، موقعیت دولت کاهش می‌یابد، موانع بین حکومت و زبردست به حداقل می‌رسد و مردم در صحنه نقش اول را عهده دار می‌شوند.» (گورسل، ۲۰۰۷) با این تبیین منظر شهر و فهم آن در فضاهای عمومی (باز) و ادراکی شهر بیشتر از ابعادی نمادین برخوردارند و محتوای آنها بیانیه‌های مدنی یک جامعه به شمار می‌رود.

### منظر شهری

تاریخ ورق می‌خورد و گرد خود را بر روی شهر به جا می‌گذارد لذا هر فصلی از تاریخ، منظر ویژه از شهر را متبلور می‌سازد که آثار عینی آن را می‌توان در سیمای شهر قرائت کرد. منظر شهر، مرز تعامل و فهم متقابل انسان و محیط می‌باشد. منظر شهر تبلور لایه‌های تاریخی معنای شهر است. اضافه شدن تدریجی هر عنصری اعم از انسان، اشیا و فضاها و ... به شهر به مثابه بازیگری که وارد صحنه می‌شود و نقش جدیدی را به عهده می‌گیرد که

شهر محصول مستقیم جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و گوناگونی منظر شهرها در تاریخ و جغرافیای جهان، معلول اندیشه متفاوت مدنی جوامع می‌باشد. شهرهای فلات ایران به تبع تجربه تمدن‌های مختلف در یک بستر بوم‌شناختی و فرهنگی، منظر ویژه



علی عاشوری  
کارشناس ارشد معماری منظر

ای بخود گرفته است؛ لذا سیما و منظر شهری می‌تواند معیاری باشد جهت بررسی روند تحولات جامعه و فهم اندیشه مدنی آن. بدیهی است به دلیل تمایز ساختار و اندیشه مدنی جوامع، سهم حضور عرصه‌های آن در ایجاد فضاهای شهری و شکل‌گیری منظر آن‌ها متغیر خواهد بود. شهر توسط عناصر منظر و از طریق نظام خاصی که بین آن عناصر برقرار می‌شود شکل گرفته و واجد هویت مکانی و اجتماعی شده است و خواندن آن به مثابه یک متن نیازمند آگاهی از قواعد و دستور زبان منظر می‌باشد. از این رو قرائت منظر شهر برای پی بردن به آن دستور زبان و به منظور حفظ منظر و تعیین خط مشی توسعه برای آینده‌ای که انتظارات و مناسباتش متفاوت خواهد بود ضروری می‌باشد. زیربنای تحلیلی بحث این نکته است که ارتباطی بین ماهیت اجتماعی و سیاسی فضاهای شهری و منظر آن برقرار است که با قرائت آن میتوان سهم حضور بخش‌های یک جامعه را در شکل گرفتن منظر آن شهر باز جست.

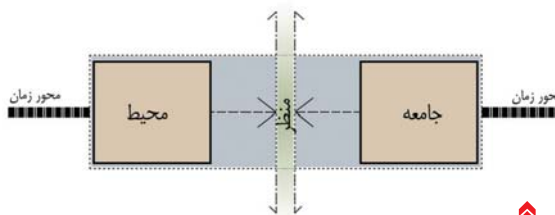
### فضاهای شهری و ساختار مدنی جامعه

اگر زندگی اجتماعی به ۳ حوزه خصوصی، عمومی، دولتی تقسیم شود، عرصه خصوصی از آن فرد و خانواده، عرصه عمومی در

شهر پدیده‌ای است  
ماحصل تلاش بشر  
برای تعالی بخشیدن  
زندگی جمعی خود  
که در موضعی  
تصرف شده از فضا  
محقق شده است  
و محدودیت‌های  
محیطی در هر  
عصر، شکلی از آن  
را متبلور کرده که  
فرم شهر است.

یا در توصیف وضع موجود موثر می افتد یا در ترکیب با فضاها و همچنین، تحدید یا تعریف مجدد آنها معنایی تازه از سناریوی شهر را تداعی می کند. بشر از دوره ای که مناسبات زیستش شکلی تازه- و از این رو مقیاس متفاوتی- از پیش می گیرد نیاز می بیند مناسبات فضا و جامعه را کنترل کند لذا دست به تصمیماتی می زند که رابطه طبیعی انسان با محیط و در واقع منظر آن را دست کاری می کند. تا پیش از این انسان جزئی از محیط بود لذا اندیشه بشر با عینیت محیط در انطباق بود. در دوران مدرن، اندیشه جزءنگرانه زمینه های واقع شناختی کل را نادیده گرفت و محصول آن تجسم و تجسّدی از شهر بود که ارتباطش را با محیط طبیعی و محیط ذهنی بشر گسست تا جایی که گسترش علوم اجتماعی و روانشناسی به بحران قطع ارتباط بشر با نیاز ذاتی و محیطی اش پی بردند لذا تفسیر مدنی انسان در این دوره منجر به مداخلاتی شد که سعی در به تعادل رساندن پتانسیل محیطی، ذهنیت و خاستگاه اجتماعی جامعه را داشت. این تحلیل های مقطعی گواه تفسیر انسان از هر دوره ی زندگی شهری خود می باشد. شهر پدیده ای است ماحصل تلاش بشر برای تعالی بخشیدن زندگی جمعی خود که در موضعی تصرف شده از فضا محقق شده است و محدودیت های محیطی در هر عصر، شکلی از آن را متبلور کرده که فرم شهر است و آن چه مردم درک می کنند و به خاطر می آورند پدیده ایست عینی- ذهنی به نام منظر که در صورت نمایانی (خوانایی) سیمای آن، میتواند شناخت صحیح و روشنی از داستان شهر را تداعی کند.

مسئله اصلی "منظر شهر" بحث تداوم و پیوستگی تصویری از شهر در استمرار تاریخی خود می باشد. در هر دوره معنا و موضوعی از منظر، آشکار شده و نهادینه می شود لذا توسعه جدید باید در درجه نخست از شکستگی این تصویر جلوگیری نموده و تصویر نو تدریجاً با تصویر قدیمی پیوند بخورد و همزمان از مناسبات نو نیز سخن بگوید. این تصویری خواهد بود هم دیرپا و هم نرم و انعطاف پذیر. انسان به مراتب برای ارضای نیازهای زمان خود مفاهیم فضا را از حیث اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معنایی دائماً تغییر می دهد. ولی چون این تغییر از یک نظام ذهنی و بر پایه ساختارهای گذشته



۲. موضوع منظر: مرز تعامل و فهم متقابل انسان و محیط، مآخذ: نگارنده، ۱۳۸۷

شکل می گیرد در تسلسل زمان پیوستگی خود را حفظ می کند. در این بخش سیر تحول شهر را از دو بعد ساختار فیزیکی و ساختار اجتماعی- سیاسی آن، بررسی می کنیم و با تبیین مناسبت این دو تبلور زمانی آن را در منظر شهر باز می شناسیم.

## دوران باستان

اجتماع به دنبال مقاصد مدنی و زندگی جمعی خود مجموعه

ای از روابط را بوجود می آورد که شکل گیری فضا و نوع رابطه آن ها از این روابط تبعیت می کنند. قلمروهای خالی از حضور مردم عادی به عنوان عرصه ای برای نمایش قدرت دولت، جایی برای احراز مدنیت اجتماعی باقی نگذاشته است و آنچه از معماری و منظر آن قرائت می شود قدرتی است حقوقی و سیاسی. سیمای شهری عصر باستان اغلب حاصل اعتبار معابد یا قصر قلعه های شاهی بود. در واقع «شهر» فقط به بخش بالادست جامعه اطلاق می شد. این شهرها تضاد مطلقاً با حوزه پیرامون خود که مردم عادی (کشاورز و پیشه ور) در آن ساکن بودند، داشتند.

## دوران اسلامی

در دوره اسلامی تجمع های صنفی، بازرگانی و مذهبی پیرامون مسجد جامع رشد و نمو می یابد و بازارها و میادین محلی مراکز جمعی و فرهنگی شهر می شوند. قرائت منظر شهری این دوره نمود زندگی جمعی است که مذهب در آن نقش شایان توجهی دارد. تکثر فرمی و فضایی شهر و نظم پنهان آن از کثرت گزایی و گفتن آزاد مردمی، قرارداد اجتماعی و حاکمیت قانون گواهی می دهند و می توان ادعا داشت که حقوق مدنی و تکثر، ارکانی از مدنیت شهر هستند که تحت قانونی که بیشتر ماهیتی هماهنگ کننده دارد حضور دارند. این تکثر به این معنا که هر کس هر کاری خواست انجام دهد و فضای بی قانون و بی نظمی حاصل شود نیست بلکه تمام عرصه های خصوصی، عمومی و دولتی با مرز منطقی در شهر حضور دارند. در دوران صفوی اندیشه جدیدی به ساماندهی شهر می پردازد: شاه به کمک اندیشه های فلسفی- سیاسی، دستور ایجاد فضایی به عنوان «واسطه» بین نیازهای اجتماعی ساکنین و قدرت شاهانه را می دهد، لذا فضاهای همگانی به شکل میادین بزرگ و بولوار ساخته می شود که میدان نقش جهان از آن جمله است. در مجموعه میدان، واحدهایی که آن محیط را تکمیل می کنند در اکثر بخشها مالکیت خصوصی دارند اما با یکدیگر فضاهای مشترکی را ساخته اند که مرز میان فضای خصوصی و عمومی از میان رفته است و نفوذپذیری فضای معماری و شهری بالا رفته است. اما این دلیل بر مردمی بودن فضا نیست. این فضا به مرکزی حفاظت شده (توسط دولت) در حیطه فعالیت های اقتصادی تبدیل شده است که جایی برای تبلور فردی هر یک از شهروندان نیست گر چه محتوای اجتماعی آن، بی تاثیر از مدنیت سیاسی آن نیست. در اینجا قدرت سیاسی یا اقتصادی یا حتی نمایش شهروندمداری با ترندهای معمارانه از جانب دولت انجام شده است. برآستی در اینجا فلسفه خلق فضا چه قدر متأثر از خاستگاه مردمی است؟ به این ترتیب مذهب، اقتصاد و سیاست مطابق با نظمی دستوری مفهوم مدنی مرکز شهر را عوض می کند.

## دوره معاصر

مسئله مفهوم شهر از لحاظ سازمان یافتگی اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و کارکردی آن متفاوت است و آنچه که مردم شهرنشین (شهروند) از شهر و زندگی در آن درک می کنند و رفتارهای آن ها به موجب آن شکل می گیرد به مقدار زیادی متأثر از منظر شهر می باشد. از این رو امروزه بیشتر شهرها در اندیشه



در دوره اسلامی  
تجمع های صنفی،  
بازرگانی و مذهبی  
پیرامون مسجد جامع  
رشد و نمو می یابد و  
بازارها و میادین  
محلی مراکز جمعی  
و فرهنگی شهر می  
شوند. قرائت منظر  
شهری این دوره نمود  
زندگی جمعی است  
که مذهب در آن نقش  
شایان توجهی دارد.

ارتقای «کیفیت سیما و منظر شهری» خود می باشند و در این امر مدیران، استفاده کنندگان و رسانه ها به نوعی سهیم اند. منظر شهری در دوره معاصر گویای اولویت اقتصادی در شکل گیری فضاهاست، خدمات اداری، دفتری، دانشگاهی، بانکی و تجاری متمرکز، حصار شهر قدیم را می شکنند. هدف اعتلای کیفیت منظر شهر از طریق «نوگرایی» و بالا بردن کیفیت خدماتی شهر است ولی اتفاقی که می افتد گسست نیروها، نیازها و انتظارات اجتماعی مردم از کالبد تحمیلی بر آن ها بود. تولید از مقیاس و محل مرکز تاریخی به حومه ها منتقل می شود و جاذبه گسترش نو، مرکز تاریخی را از بار اجتماعی-اقتصادی خود خالی می کند و مفهومی که از مرکز شهر ساخته می شود فرسودگی کالبدی و اضمحلال بافت اجتماعی آن است. پدید آمدن عنصری جدید به اسم خیابان سیمای شهری را عوض کرد و توسعه آن بار سنگینی را بر ساختار قدیم وارد کرد که نتوانست خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. سیمای جدید برای پاسخگویی به برخی مفاهیم تجدد، مراکز تجاری، مراکز فرهنگی، هتل ها و رستوران ها را پذیرا می شود. در عصر جدید یادمان گرایی، خیابان های عریض، میدان های وسیع و بناهای شکوهمند و برج ها عامل اعتبار شهر قلمداد می شوند. در هر شهری از گذشته های دور محل های مشترکی (مکان های حافظه جمعی) وجود دارد که موجب هویت جمعی شهروندان می باشد ولی به تبع وسیع شدن اندازه شهر تعلق ساکنان به این مکان ها کمتر می شود چون قلمرو مالکیت آن ها کم شده است لذا احساس تنهایی و عدم انس با شهر از عواقب آن می گردد. ساکنان فضاهای شهری را بیشتر بر مینا و مقیاس محله مسکونی شان درک می کنند ولی تکه تکه شدن شهر با بلوارها و خیابان های عریض و عبور و مرور بیش از حد، تصویر مبهمی از شهر را در ذهن شهروندان داعی می کند چون وضعیت مرزی بسیار شدیدی بین قلمروهای شهری ایجاد شده که فضای حقیقی شهری را بیشتر «خطی» جلوه می دهد. فقدان دو ویژگی اصلی شهرهای سنتی روح جمعی زندگی امروز را تضعیف ساخته است: فراموش شدن تعریف محله و حذف فضاهای جمعی (منصوری، ۱۳۸۲) سیما و درک منظر شهر در قرن معاصر بر اثر ازدیاد خودرو و اخیراً حضور رسانه ها به شدت تغییر یافته است. در این جا می توان عمده عوامل تاثیر گذار بر منظر شهر را چنین خلاصه کرد:

● قدرت سیاسی، قانون گذاری و قانون مداری: قدرت سیاسی و قوانین حاکم بر جامعه و نیز نظام مدیریتی و مالی زمامداران محلی تأثیری عمده بر سیمای شهری دارد به طوری که مراکز شهری عموماً به منظور ایجاد اعتبار همواره مورد توجه صاحبان قدرت است و منش مسئولان و شهرداران هر از چند گاهی در

هویت بخشی به منظر شهر یا بالعکس نقش داشته است.

- عوامل اقتصادی: که مشتمل بر جنبه های تولید (صنعت و خدمات)، مصرف (مسکن) و مبادله بین این دو می باشد.
- عوامل فن شناختی: ایجاد بلوار و بزرگراه های شهری، ساخت پل ها و تونل ها، امکان تردد زیر زمینی، به کارگیری روش های نوین اجرا و مصالح جدید و متنوع، مترو و ...
- عوامل فیزیکی و ارتباطی: گسترش فضایی شهر و پیچیده شدن سفر های درون شهری.
- عوامل روانشناختی: یادمان ها و نشانه ها، گره های فضایی-فعالیتی، مسیر های ویژه و محدوده های تاریخی و فضاهای جمعی.
- عوامل فرهنگی و جمعیتی: فرهنگ شهر نشینی یا شهروندی، ساکنین و مهاجرین.
- عوامل مدیریتی: روابط کارفرما-مشاور-معماری، رویکردهای بخشی یا کل نگر، هماهنگی یا ناسازگاری ارگان های برنامه ریزی، طرح و اجرا در حوزه شهری.

تمامی این مقوله ها و مشابه این، ساختار و محتوای ادراک مردم از شهر را تحت تاثیر قرار می دهند و در واقع بازخوانی قضاوت مردم از شهر ارزیابی منظر شهری خواهد بود. قرائت منظر شهر گویای ابعاد زیباشناختی، بار ذهنی و تاریخی، توان اقتصادی و رقابتی شهر

دوره	مفهوم شهر	منظر شهر (بیان مدنی)
باستان	سازمان یافتگی سیاسی	اقتدار گرا
اسلامی	سازمان یافتگی اجتماعی-اخلاقی	مردمی و همگرا
معاصر	سازمان یافتگی عملکردی-اقتصادی	واگر (منظر ناشهر)

جدول ۱: سیر تحول مفهومی منظر شهر، ماخذ: نگارنده، ۱۳۸۷

و نیز اندیشه سیاسی مدیران شهر و ... می باشد. سیر تحول مفهومی منظر شهر در این سه دوره در جدول زیر خلاصه شده است. هر سه این سازمان یافتگی ها از نوعی نظم پیروی می کنند که می تواند ریشه در باور دینی، زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشد ولی همواره وجود دارد و منظر که از شهر درک می شود در واقع درک این نظام است.

### اهمیت منظر شهری

جامعه همیشه در حال تغییر است، نیازها و انتظارات مردم، سبکها و میزان تحمل انسان نسبت به تغییرات در مدتی کوتاه عوض می شوند. ما در دنیای خانه، ماشین و کار بیشتر مشاهده گر غیر فعالی هستیم که همه چیز را با واسطه درک می کنیم ابزارهای شناخت ما تکنولوژی صرف شده اند و تجربه ای که بدست می آید فهم سطحی دنیای اطراف



ماست. درکی که از منظر شهر داریم تا حدی بسته به هدف ما از خواندن و ارتباط با آن دارد. می‌خوانیم که راه دسترسی را پیدا کنیم، لذت ببریم یا نیازی را مرتفع سازیم یا... این‌ها توقعاتی است که از درک منظر شهر می‌رود. لذا بسته به تنوع انتظارات مردم، الگوهایی از منظر دیده شده و برخی نیز پنهان می‌مانند با این حال همگی واقعیت منظر را تجربه می‌کنند. از آن‌جا که بیشترین اطلاعات دریافتی محیط از طریق حس بینایی صورت می‌گیرد ولی این امر موجب نمی‌شود که صرفاً به زیباسازی محیط بپردازیم بلکه ادراک محیط دارای ابعاد زبانشناسانه و معنایی بوده که «زمینه فعالیت‌های روزمره انسان» می‌شود. «منظر تاثیر زیادی بر کیفیت زندگی ما دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه‌ای واگذار کرد زیرا بین الگوها و فرایندهای سازنده شهر، ادراک ما از آن‌ها و پیوند دائمی با زیبایی و معنای محیط، ارتباط مستقیمی وجود دارد» (بل، ۱۳۸۲: ۹۱) که جنبه‌های فیزیکی-اجتماعی فضا را به جنبه‌های ادراکی منظر تبدیل می‌کند. ارزش‌گذاری ترجیحات مردمی بر منظر شهر باید مقدم بر سلیقه‌های کلیشه‌ای عده‌ای از متخصصین باشد؛ ولی این امر ضرورت مدیریت و کنترل منظر شهر را کم‌رنگ نمی‌کند. مفهوم جدید شهر و شهرگرایی به دنبال تعادلی پویا بین نظم خود انگیخته شهری و نظم آگاهانه شهر در پی ارتقای زندگی شهری است. در نظر گرفتن تنها عامل اقتصادی، شهر را به مکانی بی‌روح و کسالت‌آور تبدیل می‌کند که فاقد زیبایی، خوانایی و هویت شده لذا تعلق انسان به آن کم می‌شود و این گسست احساسی با محیط بر جنبه‌های روانی و اجتماعی ادراک هم‌تأثیر مخربی دارد. از این رو با تکیه بر اولین هستی‌زبان منظر که همان «فهم محیط» است شاید به این نتیجه برسیم که هدف، ایجاد محصولی صرفاً زیبا نیست بلکه شناخت ارزش‌های اجتماعی و ذهنی محیطی است که خود آن را ساخته ایم لذا راهکاری که ارائه خواهد شد نه تولید توده‌های فیزیکی بلکه مدیریت روانی و خاطرهای ارزش‌هایی است که در شلوغی متن شهری موجد خوشایندی خاطر خواهد بود. «پارهای اوقات محیط را فقط (و اغلب به اشتباه) از نظر ملاحظات اقتصادی و یا ملاحظات تکنیکی طرح می‌کنیم و سپس به مسائل اجتماعی و زیباشناختی می‌پردازیم» (لینچ، ۱۳۸۱) از این رو با درک این مفهوم که انسان خود بخشی از محیطی است که درک می‌کند راهکارهای ما به ایجاد یک منظر فرهنگی و پویا در شهر تبدیل می‌شود. لازمه این امر نگاهی کل‌گرایانه به ذات شهر و روح جمعی آن است که کل اجزای شهر را در برقراری یک کل معنادار و منسجم هدایت می‌کند.

## جمع بندی

سهام حضور هر بخشی از جامعه در منظر شهری نمایان است و خواندن منظر ما را به مفهوم حیات جمعی یک دوره از زندگی

شهری رهنمون می‌شود؛ وقتی شهر دوره باستان را بازخوانی می‌کنیم به مرزبندی شدید عرصه‌های اجتماعی برمی‌خوریم، این مرزبندی فضایی- فیزیکی بیانگر اختلاف طبقاتی جامعه می‌باشد که در ساختار جامعه مشهود است. لذا مفهوم تمدنی جامعه در این دوره امری سیاسی است که منبعث از یک قدرت مرکزی می‌باشد. در دوره اسلامی شاهد جریان دیگری هستیم که بر پایه شعار برابری اجتماعی به نوعی وحدت و هم‌بینی در ساخت فضاهای خصوصی و عمومی (بناهای عام‌المنفعه) می‌انجامد. شخصیت شهر به هر طریقی که آدمیان آن را می‌ساختند شکل می‌گرفت و به تدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافت و وحدت جمعی و اخلاقی آن را واجد وحدتی بصری می‌نمود. در دوره معاصر با عوض شدن شکل تولید، سیمای شهر نیز عوض شد. شهر و فضاهای شهری به نوعی ماشین اقتصادی برای تولید ارزش اضافی و نیز سرمایه و ثروت تبدیل شد به‌طوری که نظمی دستوری برای مهار این نیرو به کار گرفته شد. این مقوله تقدم یافتن ساختار اقتصادی فضا بر جنبه‌های اجتماعی آن بود لذا اقتصاد سیاسی فضا تعیین‌کننده مکان استقرار سطوح مختلف اجتماعی شد. در عصر کنونی با تمام سرعتی که شهرنشینی دارد، شهر خود ناپدید می‌شود و این در حالی است که شهر امروز باید به عنوان عاملی برای تضمین سلامت آدمیان و میسر ساختن مشارکت و تعاون باشد و این اندیشه جز با رشد متقابل فرهنگ شهروندی و حس مسئولیت و هم‌سویی متولیان حوزه شهری نسبت به دانش و آگاهی زندگی شهری محقق نخواهد شد.

## منابع

- بل سایمون (۱۳۸۲) منظر، الگو، ادراک، فرایند، ترجمه بهناز امین‌زاده. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران.
- پارکینسن جان (۱۳۸۶) "دموکراسی، معماری و فضای همگانی"، ترجمه سحر قاسمیان، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۲۹+۳۰، تهران.
- ترنر تام (۱۳۷۶) شهر همچون چشم‌انداز: نگرشی فراتر از فرانوگرایی (پست-پست مدرن) به طراحی و برنامه‌ریزی شهری. مترجم فرشاد نوریان. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. تهران.
- رئیس دانا فریبزر (۱۳۸۴) «جهانی‌سازی و فضاهای عمومی»، فصلنامه اندیشه ایرانی، سال اول، شماره سوم، تهران.
- فکوهی ناصر (۱۳۸۳) "انسان‌شناسی شهری". نشر نی. تهران
- گودسل چارلز (۱۳۸۶) "مفهوم فضای عمومی و جلوه‌های مردم‌سالارانه آن"، ترجمه هدیه نور بخش، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۲۹+۳۰، تهران.
- ماتلاک، جان (۱۳۷۹) "آشنایی با طراحی محیط و منظر" ترجمه معاونت آموزش و پژوهش سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران. انتشارات سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران.
- مزینی منوچهر (۱۳۸۱) "مقالاتی در باب معماری و شهرسازی". موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران.
- منصوری، سید امیر (۱۳۸۲) "روح جمعی، میراث فرهنگی و شهر" ویژه نامه شماره ۹ مجله شهرداریها. تهران. لکار، کوروش- مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری- مجله صفا- شماره ۵۴
- قریب، فریدون. ۱۳۸۱، اصول طراحی تردیدپایه و دوچرخه. انتشارات دانشگاه تهران.

